

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

زهرة راحمی*

دکتر اصغر رضاپوریان**

دکتر محمد حکیم آذر***

چکیده

مبالغه، اغراق و غلو یکی از قوی‌ترین عناصر القاء در اسلوب سبک هندی و بهترین وسیله برای تجسم بخشیدن به عواطف و اندیشه‌ها و نفوذ بر خفایای ذهن مخاطب است و در پی برجسته‌سازی از طریق هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی و کشف مفاهیم تازه و بیگانه است و چون با دیگر شگردهای بیانی و بدیعی در هم آمیزد، التذاذ هنری و تأثیرات عمیق عاطفی و فکری بر خواننده بر جای خواهند گذاشت و از تحسین‌گویی و ارزش بیشتری برخوردار خواهند بود. این پژوهش حاصل تعمق در بیش از ۱۱ هزار بیت از دیوان کلیم کاشانی است که تا کنون هیچ تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است. این مقاله به معرفی و تحلیل انواع بزرگ‌نمایی، عناصر به کار رفته و جایگاه آنها پرداخته است. روش کار بر پایه توصیف و تحلیل داده‌ها از دیدگاه اسلوب بلاغت است. با تأمل درمی‌یابیم که چگونه کلیم با شگردهای مختلف و هنجارگریزی معنایی برای تأکید و القای اندیشه‌های خود عناصر بدیعی و بیانی را با بسامدی قابل توجه و در اشکال و ساختارهای مختلف درهم آمیخته و با بهره‌گیری از این شگرد بلاغی به تشخیص سبکی رسیده است.

واژه‌های کلیدی

آشنایی‌زدایی، عناصر بیانی و بدیعی، مبالغه، شعر کلیم کاشانی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، گروه زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

*** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، گروه زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۲

میرزا ابوطالب، کلیم (۱۰۶۱-۹۹۲ یا ۹۹۰ ه.ق)، معروف به خلاق المعانی ثانی، یکی از شاعران پرآوازه عصر صفوی است. این شاعر سبک هندی که صاحب دیوان شعر (بالغ بر ۱۱۰۰۰ بیت) و مثنوی پادشاهنامه یا ظفرنامه شاه جهان می‌باشد، از مقام و منزلت خاصی بالاخص در هندوستان برخوردار بود، تا بدان‌جا که به مقام ملک الشعرائی دربار شاه جهان راه یافت.

سبک هندی دارای ویژگی‌های مختلف و متنوع است «عنصر اغراق یکی از نیرومندترین عناصر القا در اسلوب بیان هندی است و زمینه کلی و عمومی بسیاری از شاه‌کارهای ادب فارسی است و چیزی است مانند قارچ که در کنار هر یک از انواع خیال می‌روید گاه زیبا و گاه مایه انحطاط». (شفیعی، ۱۳۶۶: ۱۳۶-۱۳۷)

هر چند برخی اساس مبالغه و اغراق و غلو را دروغ می‌دانند اما باید این مطلب را هرگز فراموش نکرد که درست یا دروغ بودن به موضوع پیام ربط می‌یابد نه با نقش ادبی زبان و ماهیت شعر.

برجسته‌سازی باید نقشمند، جهت‌مند و هدف‌مند باشد موکارسکی می‌نویسد: «زبان شعر از نهایت برجسته‌سازی که همان انحراف از مولفه‌های هنجاری زبان است برخوردار است». (صفوی، ۱۳۹۰: ج ۲/۳۹)

اغراق یا (exaggeration) به معنی دورافکندن است و شکلی از بیان به منظور موکد کردن می‌باشد و یکی از مهم‌ترین ابزارهای بلاغی جهت آشنایی‌زدایی است که با تصرف و درآمیختن با برخی دیگر از صورخیال توصیف را از موقعیت عادی و معمولی خویش خارج می‌نماید. شاید بتوان ادعا نمود این آرایه بدیعی از گذر تخیلات قوی شاعر سرچشمه می‌گیرد تا بتواند به آرزوهای محال و دست‌نیافتنی دست یابد.

بی‌شک موضوع، فضا، قالب شعر، ایدئولوژی و عقاید و محیط جغرافیایی در میزان به کارگیری این آرایه مؤثر است.

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی □ ۱۵۳

کلیم تمام امکانات متنوعی را که در ساخت اغراق و مبالغه و غلو وجود دارد به کار می‌گیرد تا بتواند میزان زیبایی و تناسب تصویر را به خواننده اشعارش ارائه نماید. تصویرسازی و معنی آفرینی‌ای که در پی خروج از هنجار عادی و کشف روابط تازه و ناشناخته و اعجاب برانگیز است و یکی از بزرگ‌ترین ابزارها برای آشنایی‌زدایی محسوب می‌شود. در این مقاله نشان داده می‌شود که چگونه کلیم با استفاده از گنجایش‌های ویژهٔ زبانی بهره می‌گیرد و با درهم آمیختن کنایه، استعاره، تلمیح، ضرب‌المثل و... کلامش را دلچسب‌تر و نافذتر می‌نماید.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- بزرگ‌نمایی و جلوه‌های متنوع آن در دیوان کلیم کدامند؟
- ۲- از بین درجات بزرگ‌نمایی کدامیک از بسامد بالاتری برخوردارند؟
- ۳- کلیم برای بزرگ‌نمایی کردن سخنش از چه آرایه‌های بدیعی و بیانی استفاده می‌نماید چرا؟
- ۴- در اشعار کلیم اغراق را به چند صورت می‌توان یافت؟

پیشینه و ضرورت پژوهش

هر چند درباره کلیم کاشانی از جنبه‌های گوناگون، کارهای تحقیقی نسبتاً جامع و ارزشمندی ارائه شده است که تمام آنها بیان‌گر اهتمام محققین در جهت شناساندن بیشتر این شاعر است از جمله در آثاری چون جایگاه کلیم کاشانی در ادب فارسی (خوشه چرخ‌آرانی، ۱۳۸۸)، جان مایه‌های درد در شعر کلیم (اسعدی، ۱۳۸۲)، تضاد معانی و مضامین و تناقض‌گویی در شعر کلیم (توحیدیان و نصرتی، ۱۳۹۱)، جست‌وجوی نهادهای اجتماعی در شعر کلیم (حاکمی، ۱۳۸۸) و...
اما آنچه شایان توجه است، این است که اکثر قریب به اتفاق این کارهای تحقیقی در زمینه غزلیات شاعر است و به صورت گسترده در دیگر قالب‌های شعری چندان تعمق و تحقیقی صورت نگرفته است.

۱۵۴ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

نکته قابل توجه این است که در زمینه اغراق، مبالغه و غلو و جلوه‌های متنوع آن در اشعار کلیم تا کنون هیچ‌گونه تحقیقی به رشته تحریر در نیامده است. ما در این مقاله برآنیم تا نشان دهیم که چگونه کلیم برای برجسته نمودن کلام خویش چگونه این آرایه بدیعی را به کار می‌گیرد تا سخنش در خواننده دلنشین‌تر جلوه‌گری نماید.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع نظری و از مقوله کتابخانه‌ای است که اطلاعات آن، با رجوع به دیوان کلیم کاشانی (۱۱۰۰ بیت) و سایر منابع ضروری گردآوری شده است. روش تنظیم مطالب تحلیلی - توصیفی است اشعار در سه بخش مبالغه و اغراق و غلو تنظیم شده سپس با ذکر چند شاهد مثال از هر کدام ساختار هر یک مورد بررسی قرار گرفته است و در صفحات پایانی مقاله قبل از فهرست منابع و ماخذ نمودار بسامد هر یک از آنها در ترسیم و آرایه گردیده است. شیوه ارجاع و آدرس‌دهی (شماره بیت - شماره صفحه) از دیوان کلیم کاشانی به تصحیح حسین پرتو بیضایی است.

بحث و بررسی

مبالغه - اغراق - غلو

اغراق گونه‌ای از فرآیندی است که آن را واقعیت‌گریزی می‌خوانند و برجسته‌سازی مبتنی بر این فرآیند است و این فرآیند در بیان شعر به الزام و اجبار گرایش می‌یابد در حالی که دیگر صنایع بدیعی معنوی کاربرد اختیاری دارند. درباره این آرایه بلاغی تعاریف گوناگون آرایه شده است از قبیل: «مبالغه امری است که عقلاً و عادتاً ممکن باشد و چنانچه آن امر عقلاً ممکن و عادتاً غیر ممکن باشد، اغراق نامیده می‌شود و آن گاه که آن امر عقلاً و عادتاً غیر ممکن باشند، غلو گویند.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۵) اما برخی چون فشارکی این‌گونه تقسیمات و درجات را نمی‌پذیرد و می‌گوید: «نگارنده تقسیمات قدما را از اغراق و درجات آن نمی‌پذیرد و همه را به

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❏ ۱۵۵

نام اغراق می‌خواند.» (فشارکی، ۱۳۹۵: ۷۹). شفیع‌ی معتقد است: «اغراق آرایه یک تصویر است، تصویر در معنی وسیع‌تر از خیال و ایماژ یعنی بیان یک حالت یا یک وصف اگر چه از شیوه بیان منطقی برخوردار باشد.» (شفیع‌ی، ۱۳۹۳: ۱۳۷)

اغراق ارتباط مستقیم با تخیل یک شاعر دارد و سبب خروج مضمون از حد یک امر عادی به حوزه دیگری می‌گردد که آن نیز خوشایند است. البته آنچه میزان و مقدار زیبایی یک اغراق را تعیین می‌کند، زیبایی و تناسب تصویری است که به وسیله این آرایه ادبی آرایه می‌گردد. شمس لنگرودی صاحب کتاب گردباد شور جنون می‌نویسد: «در اشعار شاعران سبک هندی اغراق و ادعاهای عجیب فراوان به چشم می‌خورد و این نتیجه تلاش شاعران مزبور برای دستیابی به مفاهیم و تصاویر تازه و در جست‌وجوی معانی بیگانه است.» (شمس لنگرودی، ۱۳۶۶: ۷۲)

صائب تبریزی می‌گوید:

«ظرافت بین که چون عکسی که در آینه‌ای افتد توان در سینه پیدا کردنش راز نهانی را»

(صائب، ۱۳۴۵: ۴۴)

که خیالی مبتنی بر اغراقی لطیف است. و یا در آنجایی که می‌گوید:

«من ملایم کردم از آه، آسمان سخت را نرم از آتش می‌توان کردن کمان سخت را»

(صائب، ۱۳۴۵: ۳۸)

با بهره‌گیری از اسلوب معادله برای تأثیرگذاری و ایجاد حس فخر و مباهات از غلو بهره گرفته است.

عرفی شیرازی هم یکی دیگر از شاعران سبک هندی است که در اشعارش اغراق و غلو را به وضوح می‌توان یافت؛ آنجا که با کلام غلوآمیز می‌گوید:

«در مبنی‌دبند بر رخ رضوان کوز عهد السنت سائل ماست»

(عرفی، ۱۳۸۲: ۲۴۵)

و یا

۱۵۶ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

«افتاده‌ایم در بن چاهی که تا ابد تحت‌الثری ز بیم نیند به چاه ما»

(عرفی، ۱۳۸۲: ۱۴)

بیدل دیگر شاعر سبک هندی است که در اشعارش معمولاً اغراق را با استعانت از واژگان خاصی چون آنقدر، از بس، بس که و... به تصویر می‌کشد.

«ز بس به خلوت حس تو باز آینه است نگاه هر دو جهان در غبار آینه است»

(بیدل، ۱۳۸۳: ۲۷۶)

و یا

«بس که از ساز ضعیفی‌ها خبر داریم ما چنگ می‌گردیم اگر یک ناله برداریم ما»

(بیدل، ۱۳۸۳: ۳۳۱)

رویکرد اصلی اشعار کلیم کاشانی، دیگر شاعر سبک هندی، مضمون‌سازی‌های تازه اما تا حدی ساده و حسی است.

«هوا چندان تر از ابر بهار است که هم‌چون آب از او عکس آشکار است»

(کلیم، ۱۳۹۱: ۲۵۹)

مبالغه، اغراق و غلو معمولاً نتیجه تشبیه‌ها، استعاره‌ها و کنایه‌هاست و عناصر سازنده آنها می‌تواند تلمیح، تشخیص، تشبیه، پارادوکس و... باشد. در این مقاله بر آنیم تا ساختارهای مبالغه، اغراق و غلو را در اشعار کلیم کاشانی به تصویر کشیم.

جلوه‌های متنوع مبالغه در دیوان کلیم کاشانی

مبالغه نخستین از آرایه‌های سه گانه است که پایه آنها بر پندار و اندیشه شاعرانه و چگونگی باز نمود آنها در سخن نهاده شده است و اندیشه یاپندار باز نموده در بیت به گونه‌ای باشد که هم خرد آن را بپسندد و روا بشمارد و هم در زندگی آزمون‌های آدمی بتواند بگنجد (کزازی، ۱۳۷۴: ۱۵۰)

«حاصل هر تشبیه و استعاره به صورت طبیعی اغراق است.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۵۹)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❏ ۱۵۷

در دیوان کلیم کاشانی ۸ و یا به عبارتی ۱۳ نوع از جلوه‌های مبالغه را می‌توان یافت.

الف) مبالغه‌هایی که عنصر اصلی ساختار آنها تشخیص و استعاره مکنیه است.

۱-

چنان باران عنان از کف رها کرد که روزن چشم نتوانست واکرد

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۶۲/۲۵)

مبالغه در توصیف وفور و سرعت ریزش باران از راه تشخیص و استعاره مکنیه و کنایه این

سرعت ریزش تا به حدی است که اجازه باز کردن چشم را به روزن نمی‌دهد.

۲-

پای اگر برخار بفشارم دراوکی می‌رود؟ زآن‌که می‌داند نباید رفت دردام بلا

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۸۴/۶)

مبالغه در بیان شدت درد پا تا از ره‌گذر استعاره مکنیه و در بیان این موضوع که حتی خار

هم حاضر نمی‌شود که بر پای من فرو رود چون می‌داند که در دام بلا گرفتار می‌شود.

۳-

هر کف خاکی که بروی نقش پای من نشست بر نخیزد گر همه توفان برانگیزد صبا

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۸۴/۸)

مبالغه در شکوه و شکایت در زمین‌گیر شدن کلیم و عدم تحرک و مدام نشستن او بر روی

زمین به خاطر درد شدید پا تا آنجا که حتی باد صبا در برانگیختن توفان برای به حرکت

درآوردن و زدودن آن نقش پای وی برخاک بی‌ثمر است.

۴-

به سیه‌روزی ارباب سخن چشم دوات آن‌چنان اشک فشان گشت که مژگان افتاد

(کلیم، ۱۳۹۱: ۵۶۱/۱۰)

مبالغه در قالب تشخیص یا استعاره مکنیه اشک‌ریختن برای بدبختی و سیه‌روزی ارباب

سخن تا حدی که از اثر آن، مژگان چشم حالت طبیعی خود را از دست داده است.

❏ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

۱۵۸ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

ب) مبالغه‌هایی که عنصر اصلی ساختار آنها تشبیه است.

۱-

چو قرعه در بدنم استخوان شکسته شود / ز ضعف گربه سرم سایه هما افتد

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۰۰/۷)

مبالغه در توصیف ناتوانی خویش در برابر یار و دوست، این اغراق در قالب تشبیه است مشابه به آن قرعه و وجه شبه آن شکستگی است. ضعیف بودن در برابر او چندان که اگر حتی خودش نه، اگر سایه‌یار بر سرش افکنده شود از شدت ضعف و ناتوانی استخوان‌های بدنش شکسته می‌شود.

۲-

آن باده که گر شیشه او در بغل آید / چون غنچه گل جامه از او رنگ توان کرد

(کلیم، ۱۳۹۱: ۵۵۷/۱)

مبالغه در توصیف باده و قدرت و توانمندی با کمک تشبیه تا به آن حدی که با در دست گرفتن شیشه و جام آن باده چون غنچه می‌توان لباس را با آن رنگ نمود.

۳-

یک جهان درد و الم ز آینه زانوی من / می‌نماید، آه از این آینه گیتی‌نما

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۸۴/۳)

مبالغه از راه تشبیه بلیغ اضافی و استعاره مصرحه در بیان در دو رنجی که بخاطر پاهای خویش تحمل می‌نماید.

ج) مبالغه‌هایی که عنصر ساختار آنها کنایه است.

ارتباط تنگاتنگ اغراق و مبالغه با کنایه ارزش هنری آن را دو چندان می‌نماید و بلیغ‌ترین کنایات هنگامی است که به همراه مبالغه باشد.

۱-

زدند آن چنان کله بر یک‌دگر / که شیر از صدایش بیازد جگر

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۵۴/۷)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❑ ۱۵۹

مبالغه از راه کنایه در توصیف نبرد فیل شاهزاده اورنگ زیب، نبردی سخت بین فیلان و جگر باختن و ترسیدن شیران از صدای غرش و نبرد آنها.

-۲

کفش گشاده چنان که آب دستش او بخورد به گفتگو بگشاید زبان بسته لال

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۷۰/۵)

گشادگی دست کنایه از بخشندگی است تا حدی که زبان لال را بگشاید و او را به حرف زدن وادارد.

-۳

دست جودت از جهان رسم قناعت برفکنند می‌کند اکنون هما پهلو تهی از استخوان

(کلیم، ۱۳۹۱: ۵۱۹/۱)

مبالغه از راه کنایه و اسلوب معادله در توصیف جود و بخشندگی (از یک بزرگی در طلب ادای قرض خود) که آنقدر زیاد است که رسم قناعت داشتن را می‌شکند تا آنجایی که همانند هما از استخوان پهلو تهی می‌کند. پهلو تهی کردن: دوری، کناره‌گیری، پرهیز و اجتناب نمودن.

د) مبالغه‌هایی که عنصر ساختار آنها پارادوکس یا متناقض ناماست.

مبالغه همراه با تضاد و پارادوکس بزرگ‌نمایی را به اوج زیبایی می‌رساند.

-۱

به گاه عربده زان‌گونه مست هشیاری است که گر به مور زند تکیه عذر خواهد خواست

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۶۶/۱)

مبالغه بر پایه پارادوکس؛ مست هشیار بودن

-۲

که دیده است ضعیفی به این توانایی توان به هیچ تنی تاب آن کمر نگذاشت

(کلیم، ۱۳۹۱: ۸۷/۱۴)

مبالغه از ره‌گذر پارادوکس انسانی ضعیف اما در نهایت توانمندی و قدرت و توانایی.

❑ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

۳-

من مست به هشیاری چشم تو ندیدم مدهوش ولی با هم در گفت و شنید است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۴/۴)

مبالغه بر پایه پارادوکس. کسی که مست است دیگر هشیار نیست.

ذ) مبالغه‌هایی که عنصر ساختار آنها قیاس و مقایسه است.

۱-

کسی کشمیر را بستان نگوید به غیر از روضه رضوان نگوید

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۷۹/۲۲)

مبالغه در توصیف کشمیر که از ره‌گذر قیاس با روضه رضوان سنجیده شده است.

۲-

ز امتزاج هوا آتش آن‌چنان سیراب که از سیاهی ذاتی بهشت روی زگال

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۶۹/۶)

مبالغه در توصیف آمیختگی هوا و مقایسه سیاهی آن با سیاهی زغال.

ص) مبالغه‌هایی که عنصر ساختار آنها وابسته عدد برای معدود است.

۱-

روزی هزار بار اگر گریه دیده را می‌شست بی‌تو خانه چشم صفا نداشت

(کلیم، ۱۳۹۱: ۸۳/۱۳)

مبالغه و بزرگ‌نمایی در توصیف معشوق و یار و از دوری او گریستن از ره‌گذر عدد هزار.

۲- حاجت از فقر طلب روی طلب گر داریکه ز یک در دهدت آنچه ز صد در ندهد

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۸۱/۵)

مبالغه در عدد یک و صد، از یک در دادن آنچه را که از صد در نمی‌دهند.

۳- بستگی در کار هر کس هست بگشاید به صبر

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❏ ۱۶۱

یک کلید است و هزاران قفل از آن وامی شود (کلیم، ۱۳۹۱: ۲۰۴/۱۱)

مبالغه و بزرگ‌نمایی از ره‌گذر عدد در توصیف صبر، تنها یک کلید است که هزاران امر
گره خورده و قفل‌های بسته را بازگشایی می‌نماید.

۴-

نه فلک در پیش چشم اهل همت خرمی است هر که کام از آسمان جوید گدای خرمی است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۴/۱۶)

مبالغه در بیان مناعت و بلندی طبعی صاحبان اهل همت تا بدان‌جا که نه فلک در پیش
چشمان آنها تنها خرمی کوچک می‌نماید.

(و) مبالغه‌هایی که عنصر اصلی آنها تلمیح است.

۱-

شکوه طاق کسری را شکسته به پای کرسی‌ات رفعت نشسته

(کلیم، ۱۳۹۱: ۵۰۰/۶)

مبالغه از ره‌گذر تلمیح در بیان شکوه و عظمت کتاب دولت‌خانه صفاپور از راه کنایه و
تشخیص.

طاق کسری: مشهورترین بنایی که پادشاهان ساسانی ساخته‌اند مساحتی به عرض و طول

۴۰۰×۳۰۰ گز طاق نماهای بسیار با ستون‌های برجسته.

۲-

تورا می‌رسد از سر کبر و ناز که در روی قارون کنی پادراز

(کلیم، ۱۳۹۱: ۵۰۴/۱۱)

مبالغه در توصیف کتابه عمارت لاهور از ره‌گذر تلمیح،

قارون: عموزاده موسی که خداوند ثروتی عظیم به او ارزانی داشته بود چندان که چند نفر

زیر بار کلیدهای مخازن و دفترهای حسابش بودند و چون به خود مغرور و نسبت به خدا
ناسپاس شد به فرمان خدا زمین ثروتش را بلعید.

۱۶۲ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

ه) مبالغه‌هایی که عنصر اصلی ساختار آنها اسلوب معادله است.

۱-

ز نازکی نتوان غنچه را ز گلبن چید گل حباب نیارد کسی به دامن کرد

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۸۰/۱۴)

مبالغه در توصیف از ره‌گذر اسلوب معادله. مصراع دوم در حکم مثالی برای مصراع اولی است.

ی) مبالغه‌هایی که بزرگ‌نمایی آنها در برگزیدن واژه‌هایی است که شاعر به کار می‌گیرد.

۱-

سبک پی قاصدی باید که چون غم نامه ما را به دست او دهد کاغذ هنوز از گریه‌تر باشد

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۴۲/۱۱)

مبالغه از ره‌گذر بزرگ‌نمایی و با تکیه کلامی که از طریق صفت مقلوب ایجاد می‌نماید.

قاصد و پیکی چابک با سرعتی و صفت‌ناپذیر حامل پیام و کاغذی که از اشک‌ها تر و خیس

است و این تری تا رسیدن به مقصد هنوز بر صفحه کاغذ خشک نشده است.

۲-

تا نگاه افکنده‌ای تسخیر شهری کرده‌ای هم‌چو بوی گل که تا برخاست بستان را گرفت

(کلیم، ۱۳۹۱: ۹۰/۴)

مبالغه از طریق تکیه بر واژگان کلام چون نگاه افکندن و تسخیر شهرکردن که با آرایه مجاز

و تشبیه در هم می‌آمیزد و در مصراع دوم با بیان تشبیهی تأکیدی برای ادعایش می‌آورد و

می‌تواند در حکم اسلوب معادله‌ای بر آن باشد.

۳-

از فروغ تو راه گم نکند در بیابان مسافران شب تار

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۹۹/۶)

مبالغه با بزرگ‌نمایی واژگانی چون فروغ تو و گم نشدن راه در یک بیابان در یک شب

ظلمانی برای مسافران.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

۴-

پیش نفاذ حکمش باد سبک عنان بر جای خشک ماند، تو را از آب و آهن است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۰۷/۱)

بزرگ‌نمایی در نفاذ حکم پادشاه تا حدی که گوی سبقت را از باد تند رو و سبک بال می‌گیرد و باد چون آب و آهن سنگین و محکم بر جای باقی می‌مانند.

۲- جلوه‌های متنوع اغراق در دیوان کلیم کاشانی

اغراق رده دوم از چگونگی اندیشه و پندار شاعرانه است و سخنور چیزی یا کسی را چنان باز نماید که خرد آن را بیسندد و روا بدارد لیک در زندگی و در آزمون‌های زندگی چندان نگنجد (کزازی، ۱۳۷۴: ۱۵۱)

در دیوان کلیم کاشانی هشت و یا به عبارتی ۱۶ نوع از جلوه‌های اغراق می‌توان یافت.

الف) اغراق‌هایی که عنصر اصلی ساختار آنها تشخیص و استعاره مکنیه است.

۱-

عرش کرسی می‌نهد در زیر پای تا گلی چینه ز گلزار سخن

(کلیم، ۱۳۹۱: ۲۹۹/۶)

اغراق از راه استعاره مکنیه و از نوع جان‌دار انگاری و تشخیص، بلند مرتبگی سخنش که فراتر از عرش است تا بدان‌جا که برای بهره‌مندی از گفتار وی عرش با آن همه عظمتش در زیر پای خویش کرسی می‌گذارد تا بتواند تنها گلی از گلزار سخنانش را بچیند.

۲-

به عهدش ستم از جهان پاکشید همه ناخن خویش شاهین بُرید

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۴۳/۳)

اغراق از ره‌گذر تشخیص فعلی، بُریدن ناخن کنایه از کنار گذاشتن و جدانمودن. توصیف از بین رفتن ستم تا آنجایی که شاهین تیز پرواز هم ناخن‌های خود را می‌برد و ظلم و ستم‌گری را کنار می‌گذارد.

۳-

تو را خورشید انور شد گرفتار به سان آینه در بند دیوار

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۷/ ۵۰۰)

توصیف اغراق‌آمیز در قالب استعاره مکنیه و تشبیه، تشخیص فعلی، در وصف کتابه دولت‌خانه صفاپور در عظمت و زیبایی آن که خورشید منور گرفتار و عاشقش می‌شود.

۴-

موج را نسبت به تیغش گر کنم ساحل ز بیم بس که بگریزد جهان را سر به سر دریا کند

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۲/ ۳۷۹)

اغراق در گریختن ساحل از ترس شمشیر شاه که با استعاره مکنیه همراه گردیده است.

ب) اغراق‌هایی که عنصر اصلی ساختار آنها تشبیه است.

۱-

از بذل شاه بس که ترازو رسد به فیض هر کف‌ه‌اش چشمه آب بقا شود

(کلیم، ۱۳۹۱: ۸/ ۲۸۳)

اغراق از راه تشبیه در توصیف بذل و بخشش شاه و برخورداری همه از آن همه فیض و بخشش، بذلی چون چشمه آب حیات و آب زندگانی، همیشه ماندگار و جاوید.

۲-

دود آهم رنگ از خورشید عالم‌تاب برد دست مژگان ترم سر پنجه پنجاب بُرد

(کلیم، ۱۳۹۱: ۷/ ۱۱۸)

در مصراع اول این اغراق در قالب تشبیه بلیغ و کنایه است آهش را چون دودی می‌داند که همین دود رنگ خورشید جهان‌تاب را متغیر و دگرگون می‌سازد و با بیمی که ایجاد می‌نماید رنگ از چهره او زایل می‌کند و در مصراع دوم با استعاره مکنیه، مجاز، کنایه، اغراق زیبای دیگری را می‌آفریند و قدرت مژگان ترش را بسی بالاتر از زور و قوت پنجاب می‌داند و بر آن پیروز می‌شود.

۳-

ز گریه دامن ما گر چه دریاست ولسی آلوده دامانی همان است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۷۵/۱۷)

اغراق در قالب تشبیه در زیاد گریه کردن و دریایی را به وجود آوردن.

۴-

از خویش جهان را ز غم عشق نهان کن کاگه نشود لب که تو را ورد زبان چیست

(کلیم، ۱۳۹۱: ۶۶/۵)

اغراق در توصیف نهان ساختن غم عشق تا به حدی که لبها نیز از ورد زبان آگاه نشوند.

ج) اغراقهایی که عنصر ساختار آنها کنایه است.

۱-

کفش گشاده چنان که آب دستش از بخورد به گفتگو بگشاید زبان بسته لال

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۷۰/۵)

کف گشاده بودن کنایه است از، سخاوتمندی و بخشش در توصیفی اغراق آمیز می گوید کسی

که از گشاده دستی او بهره مند گردید حتی اگر لال هم باشد زبان به سخن باز خواهد نمود.

۲-

از تفاخر آن چنان سر را به گردون برده ام کاسمان با ناخن ماه نواش خاریده است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۶۱/۶)

اغراق از راه کنایه؛ خاریدن با ناخن کنایه است از: اظهار بی تابی کردن توصیف و اغراق در

این که آسمان با بلندی خود در برابر من شروع به خاراندن با ناخن ماه نو نموده و بی تاب

گشته است.

۳-

حدیث بحر فراموش شد که دور از تو ز بسس گریسته ام آب برده دریا را

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱/۲)

۱۶۶ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

اغراق از راه کنایه ایهام و تناسب آب بردن دریا کنایه از بی‌آبرو گردیدن در توصیف گریه‌های زیاد خود به طوری که از فراوانی اشک‌های ریخته شده آبروی دریا رفته است.

۴-

جز لب من چیز خشکی اندر آن ویرانه نیست بس که تر گردیده موجی گشته هر سطر کتاب
(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۹۴/۱)

اغراق از راه کنایه و تضاد و تشبیه: تر گردیدن کنایه از اشک‌ریختن و خیسشدن در توصیف زیاد اشک ریختن و سرازیرشدن بر روی صفحات کتاب و هر سطر کتاب را به یک موج تبدیل ساختن.

د) اغراق‌هایی که عنصر اصلی ساختار آن پارادوکس یا متناقض نماست.

۱-

ز بس عالم آراست از عدل و داد چراغ ضعیفان فروزد ز باد
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۴۳/۸)

اغراق بر پایه پارادوکس: در توصیف عدل و داد تا حدی که چراغان ضعیف را از باد روشن می‌نماید، در حالی که باد از عوامل خاموش‌کننده چراغ است.

۲-

جهانی از کرمش منعمند و او مفلس در آفتاب نشیند درخت سایه نکن
(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۹۰/۹)

اغراق بر پایه مجاز حال و محل استعاره و پارادوکس در توصیف کرم و بخشندگی او و مفلس ماندن خودش (مفلس در اینجا فقر معنوی)

ذ) اغراق‌هایی که عنصر ساختار آنها قیاس و مقایسه است.

۲-

نسب تابه آدم همه پادشاه حسب عالم آراتر از مهر و ماه
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۴۲/۲)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❏ ۱۶۷

توصیف اغراق‌آمیز از پادشاه هندوستان شاه جهان که اصل و نسب و گوهر او را در مقایسه از خورشید و ماه عالم آراتر می‌داند.

(ص) اغراق‌هایی که عنصر اصلی ساختار آنها وابسته عددی برای معدود است.

۱-

یک کوبش رعیت به ختم نمی‌شود آهم اگرچه کثور هفت آسمان گرفت

(کلیم، ۱۳۹۱: ۹۲/۱۲)

اغراق در توصیف از ره‌گذر عدد یک و هفت.

۲-

دیده‌ای دارم که ویران گشته از یک قطره اشک خانه چشم تو گویی از گل غم دیده است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۶۰/۸)

توصیف اغراق‌آمیز دیده ممکن است که ویران و کور گردد لیکن فقط با یک قطره اشک چنین چیزی امکان‌پذیر نخواهد بود.

(ط) اغراق‌هایی که عنصر سازنده آنها تلمیح است.

۱-

رو به هر جانب که کردم سیل اشکم برده اس کی سلیمان این چنین حکمی روان بر باد داشت

(کلیم، ۱۳۹۱: ۸۳/۴)

اغراق از ره‌گذر تشبیه بلیغ، قیاس و تلمیح، تلمیح به داستان سلیمان و نفوذ حکم او بر باد. سلیمان: فرزند داود نبی که خداوند به او حکمت آموخت و باد را به فرمان او درآورد.

۲-

کوه طاقت بودم اما تا فراق او نمود هر سر مویم تو گویی تیشه فرهاد است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۵۲/۲)

اغراق از ره‌گذر تشبیه و تلمیح به داستان کوه بیستون و فرهاد و تیشه و شیرین و...

(و) اغراق‌هایی که بزرگ‌نمایی آنها در برگزیدن واژه‌هایی است که شاعر به کار می‌گیرد.

۱۶۸ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

۱-

تعداد قلعه‌ها و فتوحات چون کنم هر روز کشوری شه گیتی ستان گرفت.

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۰۵/۱۰)

اغراق از ره‌گذر بزرگ‌نمایی و مجاز و تکیه کلام بر واژه، توصیف فتوحات و جنگاوری‌های شاه جهان در تسخیر شهرها و قلعه‌ها.

۲-

در بیان هر که را از تشنگی باشد خطر نام چشمم گر برد صد چشمه پیدا می‌شود

(کلیم، ۱۳۹۱: ۲۰۴/۶)

اغراق از ره‌گذر بزرگ‌نمایی و جناس و تناسب و تکیه کلام بر واژه‌های بیابان و تشنگی نام چشم و پیدا شدن چشمه.

ه) اغراق‌هایی که عنصر اصلی ساختار آنها استعاره مصرحه است.

۱-

به حیرتم چو در ابر سفید باران نیست چه دجله‌هاست که در چشم اشکبار من است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۷/۱۲)

توصیفی اغراق‌آمیز از اشک از ره‌گذر استعاره و تناسب دجله‌ها: استعاره از اشک.

ی) اغراق‌هایی که عنصر سازنده آنها لف و نشر است.

۱- صاحب بحر و بری از روی استحقاق و ارث

دشمنت را چشم و لب قسمت از این خشک و تر است (همان: ۵۶۹/۱۰)

۳- جلوه‌های متنوع غلو در دیوان کلیم کاشانی

غلو یا گزافه هنری سومین و واپسین رده و گونه از اندیشه و پندار شاعرانه است و آن

است که نه خرد آن را بپسندد و روا بشمارد و نه در آزمون و زندگی نشان و نمونه‌ای از آن

بتوان یافت (کرازی، ۱۳۷۳: ۱۵۲)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❏ ۱۶۹

در دیوان کلیم کاشانی هشت و یا به عبارتی ۱۵ نوع از جلوه‌های غلو را می‌توان یافت.

الف) غلوهایی که عنصر اصلی ساختار آنها تشخیص و استعاره مکنیه است.

۱-

از بهر پاسبانی قصر جلال او شب‌ها نرفته دیده انجم دمی به خواب

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۵۱/۸)

استعاره مکنیه در خواب نرفتن انجم در شب‌ها و غلوآمیز و بسیار زیبا در تعریف قصر شاه که با حُسن تعلیل در می‌آمیزد و برای نورانی بودن و درخشش ستارگان در شب دلیلی ادبی می‌آورد و آن‌چنان کلام را با اغراق در می‌آمیزد تا سخنش دو چندان بر دل نشیند.

۲-

به سرو خانگی از آشنا شود قمری به بال، ازه کند سرو بوستانی را

(کلیم، ۱۳۹۱: ۲۱/۱۱)

غلو از راه استعاره مصرحه و استعاره مکنیه، توصیفی زیبا و وصف‌ناپذیر از یاریا سرو خانگی تا بدان‌جایی که اگر قمری با او آشنا شود بازتاب این دیدار و آشنایی عملکرد بال‌های قمری است که در حُکم و منزله ازّه‌ای برای قطع نمودن سرو بوستانی خواهد گردید.

۳-

در تماشای سقف تو خورشید پنجه‌ها بند کرده بر دستار

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۹۹/۷)

غلو در توصیف بنای قصر شاه از ره‌گذر تشخیص فعلی و بزرگ‌نمایی و بیان حیرت‌زبایی قصر و بلند قامتی آن که خورشید را به پنجه انداختن به دستار برای دیدن آن وادار نموده است.

۴-

رواج شرع تا به حدی که در قلمرو هند زمین تشنه نخورد آب را به ماه صیام

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۵۷/۱۱)

❏ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

۱۷۰ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

غلو در توصیف رواج دین و شریعت با کمک تشخیص تا بدان‌جا که زمین تشنه از خوردن آب در ماه رمضان پرهیز و خودداری می‌نماید.
(ب) غلوهایی که عنصر اصلی ساختار آنها تشبیه است.
-۱

عکس رای روشنش گر پرتو اندازد به چرخ چون هلال از پیچ و تاب اشک خم گردد شهاب
(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۹۵/۵)

در این بیت نیز به گونه غلوآمیز و در قالب تشبیه فکر و اندیشه - میرزا محمد امین شهرستانی (روح‌الامین) - را آنقدر والا می‌داند که حتی اگر عکس و تصویر آن فکر روشن بر چرخ و آسمان پرتوافکنی نماید شهاب چون هلال ماه به حسادت خواهد افتاد و چون ماه انحنای خواهد گرفت.
-۲

شب که شد از اضطراب پیکر بی‌طاقتم تار در پیراهنم چون نبض گردد بی‌قرار
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۷۶)

غلو در قالب تشبیه و تشخیص، پیکر و جسم نزار و بی‌طاقتی که تار و بود پیراهنش نیز به حالش مضطرب است و چون نبض بی‌قرار و بی‌تاب می‌شود.
-۳

ز باد حمله او کوه‌کنده میخ‌ثبات چه روز کوچ سیه خیمه‌ای که در صحراست
(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۶۷/۱)

توصیف میزان و شدت حمله (فیل‌ها) به طوری که کوه از جا کنده شده است با آوردن تشبیه رسا.

(ج) غلوهایی که عنصر ساختار آنها کنایه است

-۱

زمانه‌ایست که بر قفل اگر نسیم وزید به‌سان غنچه‌اش از انبساط خندان کرد
(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۸۱/۳)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❏ ۱۷۱

خندان کردن قفل، کنایه است از؛ باز شدن قفل که در این بیت غلو از راه کنایه و با تشبیهی حسی بیان شده است.

۲-

می‌نهم در زیر پای فکر کرسی از سپهر تا به کف می‌آورم یک معنی برجسته را

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۶/۶)

غلو از راه کنایه؛ کرسی از سپهر در زیر پای فکر گذاشتن توصیف کنایه‌ای از: تلاش شاعر در بلنداندیشی فکر و اندیشه شاعر.

۳-

از پرتو این باده شب از هر نهان شد صد شکر که برچید شب جمله دکان را

(کلیم، ۱۳۹۱: ۵۵۳/۱۷)

غلو در توصیف پرتو و نور باده که این پرتو افشانی آنقدر زیاد است که شب و تاریکی را به طور کامل از صفحه روزگار محو نمود. برچیدن دکان کنایه از تعطیل کردن و منحل نمودن.

۴-

صفای خاک به نوعی که ماهی اندر آب ز اشتیاق زمین در زمان بر آرد بال

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۶۹/۱)

غلو در توصیف خاک (هند) از ره‌گذر جناس و کنایه و ضرب‌المثل

بال در آوردن کنایه از اظهار شوق و شادی زیاد کردن.

د) غلوهایی که عنصر اصلی ساختار آن پارادوکس یا متناقض‌نماست

۱-

سپهر دون در فیض آن‌چنان بسته است بر عالم که سیلاب بهاری‌تر نمی‌سازد لب جو را

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۵/۵)

تر نساختن سیلاب بهاری لب جو را غلو بر پایه پارادوکس

۱۷۲ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

۲-

تو را دل‌گشایی به‌جایی رسید که قفل از درت وا شود بی‌کلید

(کلیم، ۱۳۹۱: ۵۰۸/۱۳)

غلو در توصیف از ره‌گذر پارادوکس و بازشدن قفل بدون کلید.

۳-

هنوز کلبه من از متاع بی‌برگی چنان پر است که صد جغد خانه‌دار من است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۷/۱۵)

غلو در توصیف پر بودن کلبه خود از کالای بی‌کالایی چندان که صد جغد اداره این خانه

را عهده‌دار شده‌اند.

ذ) اغراق‌هایی که عنصر ساختار آنها قیاس و مقایسه است

۱-

پیش نفاذ حکمش باد سبک عنان بر جای خشک مانده‌تر از آب آهن است

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۰۷/۱۰)

غلو از ره‌گذر قیاس در برابر نفوذ و تأثیر و استحکام حکم شاه جهان.

۲-

گل خورشید کامد عالم‌افروز به پیش لاله‌اش شمعی است در روز

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۴۹/۱۵)

غلو در توصیف جام لاله که خورشید با این همه عظمتش در قیاس و مقایسه با آن جام

تنها چون شمعی است که در روز می‌سوزد و نورافشانی می‌نماید.

ز) غلوهایی که عنصر اصلی ساختار آنها وابسته عددی برای معدود است

۱-

تیغ و سنان به حال زره رشک می‌برند کو با هزار دیده بیند لقای فتح

(کلیم، ۱۳۹۱: ۹۷/۱۶)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❏ ۱۷۳

غلو از ره‌گذر جان‌دار انگاری و تشخیص و مجاز و عدد.

رشک و حسادت بردن شمشیر و سرنیزه به حال زره که با جان‌دار انگاری به توصیف پرداخته است.

۲-

بی‌رخت تنگدلی بس که جهان را بگرفت در چمن عرصه گنجایش یک شب‌نم نیست

(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۷۷/۱)

غلو در عدد یک در هر چمنی ولو کوچک عرصه و میدان گنجایش یک شب‌نم وجود دارد. اما تنگدلی خود را آنقدر گسترده می‌داند که جایی برای حضور یک شب‌نم پیدا نمی‌شود.

ص) غلوهایی که عنصر اصلی ساختار آنها ضرب‌المثل است.

۱-

ابرو مثال موی دمد از زبان تیغ از بس کند برای دلبران دعای فتح

(کلیم، ۱۳۹۱: ۹۷/۱۵)

غلو از ره‌گذر ضرب‌المثل، (از بس حرف زدم زبانم مو در آورد).

توصیف دعای زیاد برای دلبران جهت فتح و پیروزی.

۲-

روز و شب از بس که محو آن میان گردیده‌ام موی می‌ترسم برآید عاقبت از دیده‌ام

(کلیم، ۱۳۹۱: ۲۴۵/۱۰)

غلو در خیره نگریستن در معشوق، هر چند مستقیماً چنین ضرب‌المثلی نیامده است لیکن به نظر می‌رسد چون مثال بالا عبارتی شبیه به ضرب‌المثل زبانم مو در آورد می‌باشد.

و) اغراق‌هایی که عنصر سازنده آنها تلمیح است.

۱-

ای دل از گرمی خورشید قیامت باک نیست آه سردی می‌توان در عرصه محشر کشید

(کلیم، ۱۳۹۱: ۲۲۶/۲)

۱۷۴ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

غلو بر پایه استعاره مکنیه یا تشخیص از نوع انسان انگاری و تلمیح به روز قیامت و تابیدن گرمای بی حد و اندازه آن بر سر مردمان در روز قیامت که با کشیدن آهی سرد از گرمای ذوب‌کننده آن نمی‌هراسند و آن آه سرد می‌تواند آن گرما را خنثی نماید.

-۲

گر حدیث بی‌وفایی‌های خوبان بشنود بیستون پهلو تهی از نقش شیرین می‌کند
(کلیم، ۱۳۹۱: ۱۷۹/۱)

غلو از ره‌گذر تشخیص و جان‌دار انگاری و تلمیح به داستان عاشقانه خسرو و شیرین و فرهاد و مزین شدن بیستون به نقوش زیبایی که فرهاد در عشق شیرین بر بیستون ترسیم و حکاکی نموده بود.

ه) اغراق‌هایی که بزرگ‌نمایی آنها در برگزیدن واژه‌هایی است که شاعر به کار می‌گیرد.

-۱

می‌توانم آب بردارم ز جوی کهکشان لیک نتوانم ز خوان خلق نمان برداشتن
(کلیم، ۱۳۹۱: ۲۹۸/۲)

غلو در توصیف قدرت خویش در انجام هر کاری اما ناتوانی در انجام برخی امور دیگر.

-۲

برای سراسر پرده‌اش آفتاب ز زرتاب تاییده زربن طناب
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۶۳/۱۵)

غلو و بزرگ‌نمایی با استفاده واج‌آرایی

-۳

گر به حشر از جور مه رویان شکایت می‌کنم رنگ از رخسار خورشید قیامت می‌رود
(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۵/۱۰)

غلو در توصیف عدم شکایت از محبوب و... از ره‌گذر تلمیح و بزرگ‌نمایی.

۴-

علم او داند شمار بحر موج و رنگ پر نزد دانایان به برهان ثابت است این مدعا

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۵۳/۲)

غلو در توصیف علم او با تکیه بر واژه‌های بحر موج و ریگ بر.

ی) غلوهایی که عنصر اصلی ساختار آنها حسن تعلیل است.

۱-

به رفعتش نرسد تا ز چشم بر آسیب سپند سوزد در پای غرفه‌هاش اثیر

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۹۸/۱)

آوردن دلیلی ادبی که باحقیقت فاصله می‌یابد

۲- تا شود آگه کز آن عالم که می‌آید به دهر آسمان از رفعت او دیده بان بالا کند (کلیم،

۱۳۹۱: ۳۷۹/۱۱)

اغراق حماسی

مبالغه، اغراق و غلو جزو آثار حماسی است این نوع مبالغه و اغراق و غلو علاوه بر داستان‌های حماسی در قصاید و یا اشعاری که قالبی حماسی دارند به فراوانی یافت می‌شود در دیوان کلیم کاشانی نیز این گونه اغراق‌های حماسی با بسامدی قابل توجه به چشم می‌خورد که تنها به ذکر چند نمونه آن بسنده می‌کنیم.

۱-

جنیبت طلب کرد و بر پای خاست زمین و زمان گفتی از جای خاست

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۵۴/۲۳)

۲-

بیفشانند بر اسب دندان کین برآمد خروش از زمان و زمین

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۵۶/۱)

۱۷۶ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی

۳-

چنان در جنگ پارا می‌فشارد که توفان نقش پایش بر ندارد
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۹۵/۱)

۴-

تعداد قلعه‌ها و فتوحات چون کنم هر روز کشوری شه گیتی‌ستان گرفت
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۰۵/۱۰)

۵-

زمین گرم از شعله کین چنان که آتش میانجی شود در میان
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۵۴/۶)

۶-

رکاب او به سان حلقه در بود بیگانه باپا تا به محشر
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۶۹/۶)

۷-

ز مویش گربندی تار بر چنگ نوایش می‌رود فرسنگ فرسنگ
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۶۶)

۸-

ز تیغ برق او بیدار گردید چو خواب آلوده‌ای از تاب، خورشید
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۹۲/۱۷)

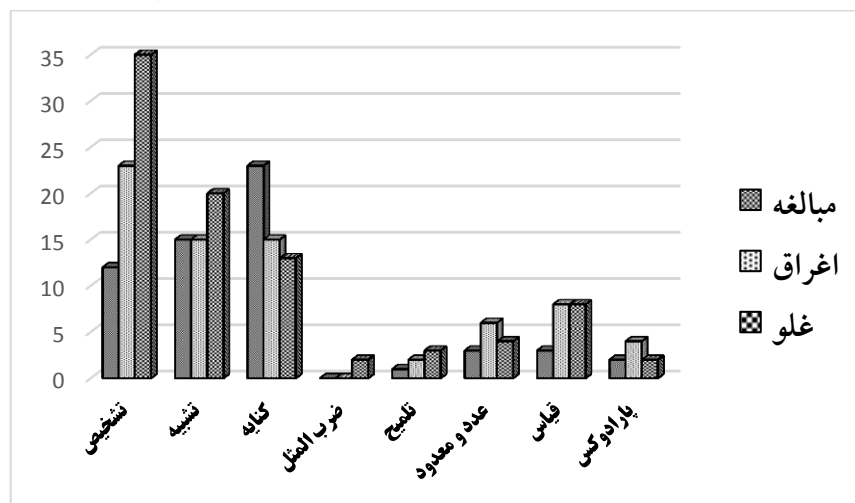
۹- ز س در هر کوی زر کرد پنهان بلند و پست ملکش گشت یکسان (کلیم، ۱۳۹۱: ۴۹۳/۲۲)

۱۰-

دو سر بر یک سنان یک بار در شد حساب هر دو آخرسر به سر شد
(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۹۶/۲۰)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

۱۷۷ بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی



بسامد جلوه‌های متنوع اغراق، مبالغه و غلو در دیوان کلیم کاشانی

نتیجه

بزرگ‌نمایی بهترین وسیله تجسم بخشیدن به عواطف انسان محسوب می‌شود و در آمیختگی با دیگر صور خیال موجب زیبایی و خیال‌انگیزی و لذت هنری گشته و در توانمند نمودن ادعای شاعر یاری خواهند نمود و بالطبع تأثیری بیشتر بر خواننده بر جای خواهد گذاشت. کلیم بادزهم آمیختم صور بیانی و بدیعی در پی آن است که با این بزرگ‌نمایی‌ها به خلق مفاهیم تازه بپردازد و کلامش را برجسته نماید.

نشارش تا ز دریا گـوهر آرد سحاب از برق قاصد کرده راهی

(کلیم، ۱۳۹۱: ۵۳۷/۹)

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد

۱- چگونه کلیم از امکانات متنوع برای ساخت اغراق و مبالغه و غلو استفاده می‌نماید و با کاربرد و گزینش کلماتی که دلالت بر معانی وسیع هستند در کنار یکدیگر موضوع مورد وصفش را از حد طبیعی خارج و برجسته‌سازی می‌نماید و تحسین و آفرین‌گویی خواننده‌اش را برمی‌انگیزد.

۲- از بین درجات مبالغه و اغراق و غلو در دیوان کلیم کاشانی غلو از بسامدی بسیار قابل توجه یعنی بالغ بر ۴۲۰ مورد برخوردار است و مبالغه و اغراق به نسبت از بسامدی کمتر برخوردارند.

۴- کلیم مبالغه و اغراق و غلو را با دیگر ارایه‌های بیانی و بدیعی درهم می‌آمیزد تا خواننده را به عمق نگاه و غنای زبانش معترف گرداند به آمیختگی انواع بزرگ‌نمایی از ره‌گذر کنایه، تشبیه، استعاره، تلمیح، ضرب‌المثل، عدد و معدود و قیاس و. سخنش را دلچسب‌تر می‌نماید و از بین آنها همراهی تشخیص و کنایه و تشبیه از بسامد بالاتری برخوردارند.

۵- در ارتباط با انواع اغراق (عادی - بدیعی - حماسی) باید گفت که کلیم در اشعارش به صورت هنرمندانه از آنها بهره می‌جوید.

آواز رود مطرب تا زنده رود رفته وز نغمه عراقش کرده‌ست میهمانی

(کلیم، ۱۳۹۱: ۳۷۴/۹)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی کاربرد اغراق در اشعار کلیم کاشانی ❏ ۱۷۹

عرش کرسی می‌نهد در زیر پای تا گلی چینه‌د ز گلزار سخن

(کلیم، ۱۳۹۱: ۲۹۹/۶)

بفشاند براسب دندان کین برآمد خروش از زمان و زمین

(کلیم، ۱۳۹۱: ۴۵۶/۱)

۶- گرچه مبالغه، اغراق و غلو از مختصات آثار حماسی محسوب می‌شوند اما از دید زبان شناختی اغراق، حسی و ملموس و بر پایه امکانات تصویری و زبانی موتیف‌ها هم شکل می‌گیرد؛ اغراق در وصف دوری معشوق، وصف زیبایی معشوق و شوق دیدار او، بیان مسایل اجتماعی، توصیف تیره‌بختی، شرح تکدر خاطر و.

۷- بزرگ‌نمایی که عمل‌پرداز و گسترش نویسنده و یا شاعر است که کلیم به تبع کارگیری آن شعرش را از قوت و قدرت تأثیرگذاری بیشتری بهره‌مند ساخته است. حال به کارگیری این آرایه بدیعی اشعار کلیم را از قوت و قدرت تأثیرگذاری بیشتر بهره‌مند ساخته است.

منابع و مأخذ

- ۱- بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر. دیوان بیدل. به تصحیح بهداروند، چاپ دوم، تهران: نگاه، ۱۳۸۳.
- ۲- راست‌گو، سید محمد. فن بدیع. کاشان: نشر مرسل ۱۳۷۶.
- ۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۵.
- ۴- شمس لنگرودی، محمد. گردباد شور و جنون. تهران: نشر آدینه، ۱۳۶۶.
- ۵- شمیسا، سیروس، بدیع. تهران: نشر میترا، ۱۳۸۳.
- ۶- صائب، میرزا محمدعلی. دیوان صائب. با مقدمه امیر فیروز کوهی، تهران: انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۴۵.
- ۷- صفوی، کوروش. از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد دوم، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- ۸- عرفی شیرازی، محمد. دیوان عرفی. به تصحیح حسین پرتو بیضایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سنایی، ۱۳۸۲.
- ۹- فشارکی، محمد. نقد بدیع. چاپ هفتم، تهران: نشر سمت، ۱۳۹۵.
- ۱۰- کزازی، میر جلال‌الدین، بدیع. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
- ۱۱- کلیم، میرزا ابوطالب. دیوان کلیم کاشانی. به تصحیح حسین پرتو بیضایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سنایی، ۱۳۹۱.
- ۱۲- وحیدیان کامیار، تقی. بدیع از دید زیباشناسی. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳.
- ۱۳- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما، ۱۳۷۹.